



ابعاد پیچیده پرونده‌های جنایی

همزمان وقوع یک جنایت، پرونده قتل در محاکم قضایی تشکیل و رسیدگی به آن آغاز می‌شود. وقتی قتل رخ می‌دهد بازپرس جنایی همراه تیمی از پزشکی قانونی، اداره جرایم جنایی پلیس آگاهی و تیم تشخیص هویت و بررسی صحنه جرم راهی محل جنایت می‌شوند. بادرستور قضایی ابتدا از ورود افراد غریبه به صحنه قتل جلوگیری می‌شود. افرادی که شاهدان ماجرا بوده یا در همان محلی که جنایت رخ داده ساکن بوده‌اند فقط بادرستور قضایی و بعد از پایان یافتن تحقیقات اولیه در محل جنایت می‌توانند تردد داشته باشند. وظیفه مدیریت صحنه برعهده بازپرس جنایی است. رئیس کلانتری حاضر در محل مسوول برقراری نظم در محل حادثه



ساسان غلامی

بازپرس دادسرای
جنایی تهران

بوده، تیم تشخیص هویت به نمونه برداری و اثربرداری از محل جنایت می‌پردازند تا هر اثر ورودی که در صحنه جامانده را جمع‌آوری کنند. آنها ادوات و آلات قتل را در محل قتل جمع‌آوری می‌کنند. بعد از آن بازپرس دستورات لازم قضایی را برای کشف جرم می‌دهد و ماموران که ضابطان قضایی هستند کار خود را برای یافتن حقیقت، کشف جرم و بازداشت قاتل یا قاتلان و بازگشایی از جنایت‌ها آغاز می‌کنند. آنها از افراد حاضر در محل جنایت، شهود و حتی اعضای خانواده قربانیان تحقیق می‌کنند. افراد مظنون را احضار و بازداشت و از آنها تحقیق می‌کنند یا برخی مظنونان تحت تعقیب قرار می‌گیرند تا با دستگیری و تحقیق از آنها راز جنایت فاش شود. بازپرس دستورات لازم را می‌دهد و ماموران که ضابطان دادگستری هستند تلاش برای دستگیری متهم یا متهمان را آغاز می‌کنند. آنچه مسلم است این که سرعت انجام دستورات قضایی و کیفیت تحقیق در کشف جرم در چند روز نخست وقوع یک جنایت بسیار مهم است. به اصطلاح به آن زمان طلایی می‌گویند، چرا که در روزهای نخست وقوع قتل ادله جرم وجود دارد، فیلم‌های دوربین‌های مدار بسته تا یک زمان ثبت اطلاعات دارند و در دسترس هستند، شاهدان در همان مرحله اول در دسترس هستند و امکان دارد در جریان تحقیقات، خانه یا محیط کار خود را تغییر داده و دسترسی دوباره به آن کمی به سختی انجام گیرد. حتی ممکن است در صحنه جابه جایی صورت گیرد و بخشی از ادله جرم از بین برود. اگر همه اقدامات در چند روز نخست وقوع قتل به درستی انجام گیرد در کوتاه‌ترین زمان پلیس می‌تواند به قاتل دست پیدا کند. به طور مثال دو سال قبل زنی فوت شد و پزشکی قانونی اعلام کرده بود که آن زن بر اثر خفگی فوت شده است. خانواده‌اش هم از کسی شکایت نداشتند، اما وقتی پرونده مرگ او به دست من رسید و آن را بررسی کردم متوجه ضد و نقیض گویی‌های خانواده‌اش شدم و همین سرنخ پرونده را به من داد که به احتمال زیاد او به قتل رسیده است. از پزشکی قانونی خواستم به طور دقیق‌تر درباره خفگی که علت مرگ آن زن بوده نظر دهد که بعد از مدتی به من اطلاع دادند که خفگی او می‌تواند بر اثر فشار بر عناصر حیاتی کردن باشد. بنابراین بیشتر تحقیق کردیم تا این که متوجه شدیم زن فوت شده با شوهرش اختلاف و درگیری داشته و حتی می‌خواسته جدا شود که موفق نشده. وقتی دستور بازداشت داماد خانواده را دادم روز بعد خانواده مقتول نزد من آمدند و گفتند که او بیگناه است و سرانجام برادر مقتول اعتراف کرد که با خواهرش درگیر شده و او را خفه کرده است. همین باعث شد که از یک پرونده راکد یک پرونده قتل کشف شود.

حال اگر قاتل یا قاتلان شناسایی شوند و بیم فرار آنها برود، نامشان در لیست افراد ممنوع الخروج قرار گرفته و مشخصات آنها در اختیار پلیس سراسر کشور قرار می‌گیرد. با این وجود شاید قاتل بتواند به صورت غیرقانونی از کشور خارج شود که نام او را به پلیس اینترنتی اعلام می‌کنیم تا اعلان قرمز کند.

نمی‌توان گفت که صد درصد پرونده‌های قتل به نتیجه می‌رسد و کشف می‌شود. گاهی نیز پرونده‌هایی در ارتکاب با قتل‌های رخ داده وجود دارد که قاتل شناسایی نمی‌شود، اما چون خانواده مقتول شکایت در محاکم قضایی مطرح کرده‌اند پرونده همچنان مفتوح می‌ماند تا ردی از قاتل پیدا شود. گاهی نیز خانواده‌های مقتول بعد از چند سال با حضور در محاکم قضایی خواستار دریافت دیه از بیت‌المال می‌شوند که در این باره خواسته آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد و پرونده با توجه به درخواست آنها به دادگاه کیفری ارسال و در آنجا حکم پرداخت دیه از بیت‌المال به خانواده مقتول داده می‌شود. حتی اگر قاتل پیدا شود بعد از سال‌ها این حق برای خانواده مقتول وجود دارد مصالحه، گذشت، درخواست قصاص یا دیه نسبت به متهم داشته باشند. گاهی خانواده می‌گویند حالا که قاتل پیدا شده قصد قصاص او را داریم. اگر دیه از بیت‌المال گرفته باشند دیه را بازمی‌گردانند و متهم قصاص می‌شود. پرونده‌ای داشتیم که مردی ۳۲ سال قبل دست به قتل زده بود. او آن زمان نو جوان بود و به خاطر سرقت طلاهای زن همسایه وی را کشته و راز قتل را با خانواده‌اش پنهان کرده بود. این مرد سال‌ها بعد ازدواج کرده و صاحب فرزندی شده بود.

در پایان تاکید می‌کنم، هیچ پرونده قتل تا زمانی که قاتل دستگیر نشود بسته نمی‌شود و اگر بعد از سال‌ها سرنخی از قاتل به دست بیاید دوباره به جریان می‌افتد و تحقیقات راز سر می‌گیریم.

راز سر به مهر قتل پزشکی



دکتر عبدالرضا سودبخش از دانشیاران دانشگاه علوم پزشکی تهران و از پزشکان بخش بیماری‌های عفونی بیمارستان امام خمینی (ره) بود که قتل او جنجالی شد. او شامگاه ۳۰ شهریور ۸۹، همراه منشی‌اش از مطب خود در بلوار کشاورز خارج شد. دقایقی نگذشته بود که دو مرد موتورسوار که کلاه کاسکت به سر داشتند به آنها نزدیک شده و با شلیک یک گلوله وی را هدف قرار دادند. او به بیمارستان منتقل، اما فوت شد. زمانی که این پزشک به قتل رسید برخی سایت‌ها مدعی شدند این پزشک از پزشکان کهریزک است و ماجرای مرگ او با وقایع سال ۸۸ مرتبط است. فرمانده وقت پلیس کشور در مصاحبه این احتمال را رد کرد و گفت: این پزشک هیچ ربطی به موضوعات سیاسی ندارد. حتی پلیس در این باره درباره او از وزارت بهداشت استعلام کرده بود و هیچ سابقه‌ای در فعالیت‌های سیاسی نداشته است. بعد از آن چند نفری که احتمال می‌رفت از مظنونان این پرونده باشند بازداشت شدند اما بعد از مدتی که بی‌گناهی آنها مشخص شد، این افراد آزاد شدند. با گذشت حدود ۱۰ سال از قتل این پزشک ۶۱ ساله، راز قتل او همچنان سر به مهر باقی ماند.

قتل مرموز دختر دانشجو



سوناشهبازی دختر ۲۳ ساله، دانشجویی بود که شامگاه سیزدهم دی ۸۵ با ضربه چاقوی فردی ناشناس زخمی شد. پیکر زخمی او زیر پل مدیریت پیدا شد و وقتی او به بیمارستان انتقال یافت، به دلیل شدت خونریزی فوت کرد. تحقیقات پلیس جنایی پایتخت نشان می‌داد زمانی که زخمی شده با پسر دانشجویی که همکلاسی‌اش بوده، تماس گرفته و از او کمک خواسته است. بررسی‌ها نشان می‌داد از او اموالی سرقت نشده بود. ماموران وقتی از همکلاسی مقتول تحقیق کردند معلوم شد دختر جوان درباره فردی که وی را زخمی کرده حرفی نزده است. تحقیقات حاکی بود که دختر دانشجو بعد از جدایی از نامزدش در میدان کاج، سوار خودرویی مسافربر شده و بعد از پیاده شدن از خودرو، سمت خوابگاه دانشجویی می‌رفته که به قتل رسیده است. پلیس با دو فرضیه در برابر این جنایت روبرو شده بود؛ یکی این که دختر دانشجو قربانی سرقت ناکام مرگبار شده و دیگر این که سرنشینان خودرویی که او سوار شده و هیچ وقت شناسایی نشدند، وی را کشته باشند. افرادی به عنوان مظنون در این پرونده بازداشت شدند؛ اما هر کدام بعد از مدتی آزاد شدند. با گذشت ۱۴ سال از قتل این دختر دانشجو هیچ گاه قاتل او پیدا نشد و پرونده وی جزو پرونده‌هایی با معمای حل نشده ماند.

معمای قتل دختر ۸ ساله



صبح ۹ اسفند سال ۹۰ دو خواهر برای رفتن به مدرسه، خانه خود را در یکی از روستاهای میگون در لواسانات ترک کردند. پس از رسیدن به سرک کوچ خواهر بزرگ‌تر وارد مغازه‌ای شد تا برای حدیثه هشت ساله خوراکی بخرد، اما وقتی بیرون آمد اثری از خواهرش نبود. در ادامه، جست‌وجوی اهالی در منطقه آغاز شد، اما هیچ ردی از حدیثه به دست نیامد. والدین این دختر با مراجعه به پلیس به طرح شکایت پرداختند. سرانجام عصر همان روز یکی از اهالی جسد سوخته‌ای را در استخر یک باغ در آن منطقه پیدا کرد. خانواده حدیثه پس از مشاهده جسد سوخته دخترشان، او را شناسایی کردند. در ادامه با اظهارات یکی از اهالی معلوم شد که آخرین بار سوار خوری مردی شده است. این مرد بازداشت شد اما منکر قتل این دختر خردسال شد. این در حالی بود که شواهد دال بر گناهکاری این مرد جوان بود. او در دادگاه نیز منکر قتل شد و سرانجام از اتهام قتل تبرئه شد. با اعتراض اولیای دم، پرونده برای بررسی نهایی به شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور رفت که قضات دیوان عالی پس از بررسی پرونده، آن را نقض کرده و برای رسیدگی بیشتر به دادگاه بازگردانند. قاتل این بار با برگزاری قسامه بی‌گناهی خود را اثبات کرد. با تبرئه تنها مظنون پرونده، تحقیقات دوباره پلیس برای کشف راز این قتل آغاز شد.